

● اهداف کتاب

انتظار می‌رود دانش آموز با مشارکت در موقعیت‌های یاددهی-یادگیری این کتاب، شایستگی‌های زیر را کسب نماید:

۱. به معناداری کنش اجتماعی پی ببرد، پیامدهای احتمالی کنش‌ها را پیش‌بینی کند و از اثرگذاری اعضای جامعه، بر پدیده‌های اجتماعی و همچنین اثرپذیری آنها از این پدیده‌ها آگاهی یابد.
۲. مفاهیم جامعه و فرهنگ را بشناسد، از تفاوت و تنوع جوامع و فرهنگ‌ها آگاه شود و فرهنگ‌ها را بر اساس ملاک‌های صحیح، نقد و ارزیابی کند و نسبت به گسترش فرهنگ حق و تحقق آرمان‌های آن احساس مسئولیت نماید.
۳. عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت را بشناسد، درباره ابعاد مختلف هویت خود بیندیشد و برای هویت‌یابی مطلوب تلاش نماید.
۴. نقش جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی را در بازتولید هویت فرهنگی جامعه دریابد و فرصت‌ها و محدودیت‌های جوامع مختلف برای تحرک اجتماعی را نقد و ارزیابی کند.
۵. علل درونی و بیرونی تحولات فرهنگی را بشناسد، این تحولات را ارزیابی کند و خود را نسبت به سرنوشت تحولات هویتی مسئول بداند.
۶. هویت ایرانی، اسلامی و انقلابی را افتخارآمیز بداند و برای تداوم و تقویت آن تلاش نماید.
۷. با ابعاد فرهنگی، سیاسی، جمعیتی و اقتصادی هویت ایرانی آشنا شود.



درس اول کنش‌های ما

تمامی مخلوقات در جهان کاری انجام می‌دهند؛ ماه به دور زمین می‌چرخد، ابرها در آسمان حرکت می‌کنند، آب در جویبار روان است، درخت برگ و بار می‌دهد، قلب می‌تپد، خون در رگ‌های آدمی جریان دارد، کشاورز کشت و زرع می‌کند و دانش‌آموز مطالب درسی را در ذهن مرور می‌کند. به نظر شما، فعالیت‌های انسان چه تفاوتی با فعالیت‌های مخلوقات دیگر دارد؟

ما پیاده‌روی می‌کنیم، شادی می‌کنیم، مسواک می‌زنیم، درس می‌خوانیم، ورزش می‌کنیم، نقاشی می‌کشیم، نماز می‌خوانیم و فعالیت‌های دیگری انجام می‌دهیم. در زبان فارسی، فعالیت‌های انسان، اسم‌های گوناگونی مانند کار، عمل، فعل، رفتار، کردار و کنش دارند و انجام‌دهندگان این فعالیت‌ها نیز دارای اسامی مختلفی مانند کارگر، کارمند، کارگزار، کارفرما و عامل‌اند.

در علوم انسانی به فعالیتی که انسان انجام می‌دهد، «کنش» و به انجام‌دهنده آن «کنشگر» می‌گویند.

کنش ویژگی‌هایی دارد که آن را از فعالیت سایر مخلوقات متمایز می‌کند. به نظر شما، این ویژگی‌ها کدام‌اند؟

کنش ما انسان‌ها چه ویژگی‌هایی دارد؟

- وقتی برای اولین بار می‌خواهید از کالایی پیچیده مانند دوربین عکاسی یا تلفن همراه استفاده کنید، به دفترچه راهنمای آن مراجعه می‌کنید ولی پس از آن، دیگر سراغی از دفترچه راهنما نمی‌گیرید؛ مگر اینکه مشکلی پیش بیاید. چرا؟
- حتماً برای شما پیش آمده که در انجام کاری بر سر دوراهی قرار گرفته باشید؛ مثل اینکه پس از برگشت از دبیرستان، بهتر است ابتدا استراحت کنید و بعد تکالیف درسی خود را انجام دهید یا برعکس. قرار گرفتن بر سر دوراهی، یکی از ویژگی‌های کنش را نشان می‌دهد. آن ویژگی کدام است؟
- فردی از میان جمع برمی‌خیزد و پنجره اتاق را باز می‌کند. اگر از او پرسید چرا این کار را کردی، چه می‌گوید؟

کنش، آگاهانه است. کنش وابسته به آگاهی آدمی است و بدون آگاهی انجام نمی‌شود. برای مثال، سخن گفتن یک کنش است. اگر ما آگاهی خود را نسبت به کلمات و معانی آنها از دست بدهیم، نمی‌توانیم صحبت کنیم. فردی که از واژگان و دستور یک زبان آگاهی ندارد، نمی‌تواند با آن زبان سخن بگوید. بنابراین، تا آگاهی نباشد، کنشی صورت نمی‌گیرد، اما آیا کنش انسان همواره بر اساس آگاهی صحیح صورت می‌گیرد؟

کنش، ارادی است. کنش به اراده انسان وابسته است؛ یعنی تا اراده و خواست انسان نباشد، کنش انجام نمی‌شود. پس، برای انجام کنش علاوه بر آگاهی، اراده انسان نیز ضروری است؛ زیرا ممکن است فردی از کاری آگاه باشد اما تصمیم به انجام آن نگیرد.

کنش‌ها ممکن است با اشتیاق یا با اکراه یا حتی از روی اضطرار و بنا به ضرورتی انجام شوند اما در هر حال، ارادی‌اند. حتی فردی که از خطر می‌گریزد، با اراده خود این کنش را انجام می‌دهد؛ او می‌توانست بماند، با خطر روبه‌رو شود یا... .

آیا فعالیت‌هایی مانند ضربان قلب، گردش خون، بسته شدن ناخودآگاه چشم در مواجهه با خطر، کنش محسوب می‌شوند؟ چرا؟

کنش، هدف‌دار است. پرسش چرا چنین کاری کردی؟ را می‌توان از هر کنشگری پرسید؛ زیرا انسان فعالیت‌های خود را با قصد و هدف خاصی انجام می‌دهد، اگرچه ممکن است همیشه به آن هدف نرسد.

آیا انسان‌های مختلف از انجام کنش‌هایشان، هدف‌های یکسانی دارند؟

در نتیجه این ویژگی‌ها، کنش انسان - برخلاف فعالیت سایر مخلوقات - «معنادار» است. انسان‌ها با توجه به معنای کنش خود، آن را انجام می‌دهند؛ مثلاً وقتی دانش‌آموزی در کلاس، دستش را بالا می‌آورد، این کار را آگاهانه، ارادی و هدف‌دار انجام می‌دهد و معنای آن اجازه خواستن از معلم است. معلم نیز چون معنای کنش او را درمی‌یابد، می‌تواند به او پاسخ مناسب بدهد.



■ انسان‌ها در انجام کنش به معنای آن توجه دارند.

گفت‌وگو کنید

بوق زدن راننده، یک کنش است. درباره معنای مختلف آن با یکدیگر گفت‌وگو کنید.

کنش ما چه آثار و پیامدهایی دارد؟

مدتی از شروع کلاس سپری شده است. همه به درس توجه دارند. ناگهان دانش‌آموزی درمی‌زند و اجازه ورود می‌خواهد. کنش او چه تغییراتی در کلاس ایجاد می‌کند؟ درباره آثار و پیامدهای کنش او گفت‌وگو کنید. آیا می‌توانید این پیامدها را دسته‌بندی کنید؟ به نظر شما، شناخت آثار و پیامدهای کنش انسان چه اهمیتی دارد؟

هر کنشی آثار و پیامدهایی دارد. آیا پیامدهای کنش نیز همانند خود کنش، آگاهانه و ارادی‌اند؟ برخی از پیامدهای کنش به اراده انسان‌ها، یعنی خودِ کنشگر یا افراد دیگر، وابسته‌اند. به همین سبب به آنها «پیامدهای ارادی» می‌گویند. این دسته از پیامدها خودشان کنش هستند و باید کنشگری آنها را انجام دهد.

دانشجویی کتاب درسی خود را مطالعه می کند و در نتیجه آن، اولاً به سؤالات امتحانی پاسخ می دهد؛ ثانیاً استاد، متناسب با تلاش این دانشجو به او نمره می دهد. پاسخ دادن به سؤالات امتحانی و نمره دادن استاد پیامدهای ارادی کنش مطالعه کردن است که اولی به اراده خود کنشگر و دومی به اراده دیگری وابسته است.

اما همه پیامدهای کنش این گونه نیستند؛ در واقع، بعضی از پیامدها به اراده انسان‌ها بستگی ندارند. به این پیامدها «پیامدهای غیرارادی» می گویند. این دسته از پیامدها، کنش نیستند که لازم باشد کنشگری آنها را انجام دهد بلکه نتیجه طبیعی کنش است.

وقتی شما پنجره‌ها را باز می کنید، هوای کلاس عوض می شود. وقتی فردی به صورت مداوم وضو می گیرد، دست و صورتش پاکیزه می شود.



■ برخی پیامدهای کنش قطعی هستند و حتماً اتفاق می افتند.

پیامدهای غیرارادی کنش قطعی هستند؛ یعنی حتماً انجام می شوند ولی پیامدهای ارادی کنش احتمالی‌اند؛ یعنی ممکن است انجام بشوند یا نشوند. اگر فرد آنها را اراده کند، انجام می شوند و اگر آنها را نخواهد و اراده نکند، انجام نمی گیرند.

معمولاً انسان‌ها کنش‌های خود را با توجه به پیامدهای ارادی و غیرارادی آنها انجام می دهند و از انجام برخی کنش‌ها، به دلیل پیامدهای نامطلوبشان، خودداری می کنند.

چه خوب است که شما هم در کنش‌هایتان تأمل کنید و ببینید تا چه اندازه به این امر مهم توجه کرده‌اید. پس از این، چقدر به پیامدهای کنش‌هایتان توجه خواهید داشت؟

فردی با اصرار از رسول اکرم ﷺ پندی خواست.
 پیامبر ﷺ به او فرمود: «اگر بگویم به کار می‌بندی؟»
 آن فرد پاسخ داد: «بله یا رسول الله!»
 پیامبر ﷺ سه بار همین سؤال را از او پرسید و از او قول گرفت و توجه او را به مطلبی که می‌خواست بگوید، جلب کرد. سپس به او فرمود:
 «هرگاه تصمیم به کاری گرفتی، اول در نتیجه و عاقبت آن کار تأمل کن؛ اگر دیدی نتیجه و عاقبتش صحیح است، آن را دنبال کن و اگر دیدی عاقبتش گمراهی و تباهی است، از تصمیم خود صرف نظر کن.»

- آیه «آدمی در گرو عمل خویش است» (مدثر: ۳۸) را تحلیل کنید.
- پیامدهای ارادی و غیرارادی هریک از کنش‌های زیر را مشخص کنید.

| پیامدهای غیرارادی | پیامدهای ارادی | | کنش |
|----------------------|-----------------------|-----------------------|------------------------|
| | وابسته به اراده دیگری | وابسته به اراده کنشگر | |
| | | | ورزش کردن |
| | | | سیگار و قلیان کشیدن |
| | | | کنترل خشم |



درس دوم پدیده‌های اجتماعی

به تنهایی مشغول خوردن غذا هستید؛ دوستی وارد می‌شود. چه تغییری در کنش شما رخ می‌دهد؟ لباس پوشیدن شما در موقعیت‌های مختلف، متفاوت است. آیا می‌دانید چرا؟ زیرا شما در پوشیدن لباس، دیگران را در نظر می‌گیرید. ما به دوست خود سلام می‌کنیم یا پاسخ سلام او را می‌دهیم. با ورود معلم به کلاس از جا برمی‌خیزیم. هنگام سوار شدن به اتوبوس، حق تقدّم را رعایت می‌کنیم و به همدیگر تعارف می‌کنیم. هنگام گفت‌وگو، به حرکات و سخنان طرف مقابل توجه می‌کنیم. با یکدیگر همکاری یا رقابت می‌کنیم. به دیدار بستگان می‌رویم و جویای احوالشان می‌شویم. در مصرف انرژی صرفه‌جویی می‌کنیم و... به نظر شما ویژگی مشترک این کنش‌ها چیست؟



■ کنش اجتماعی خردترین پدیده اجتماعی است.

کنش اجتماعی چیست؟

کنش‌ها انواعی دارند. برخی از آنها فردی و برخی اجتماعی‌اند. آیا می‌دانید منظور از کنش اجتماعی چیست؟ چند کنش اجتماعی نام ببرید.

کنش اجتماعی نوعی کنش است که با توجه به دیگران انجام می‌شود. در کنش اجتماعی، اراده و آگاهی کنشگر ناظر به دیگران، ویژگی‌ها و اعمال آنهاست. کنش اجتماعی فقط در حضور دیگران صورت نمی‌گیرد. وقتی راننده‌ای پشت چراغ قرمز می‌ایستد، مقرراتی را رعایت می‌کند که مورد قبول دیگران است. به همین سبب، کنش او اجتماعی است. رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی در نیمه‌شب و به دور از چشم دیگران و حتی دوربین‌های مخفی نیز یک کنش اجتماعی است. به نظر شما، آیا کنش‌هایی که در حضور دیگران ولی بدون توجه به آنها انجام می‌گیرند، کنش اجتماعی‌اند؟ برای مثال، فردی که در کلاس درس حضور دارد ولی بی توجه به اطرافیان در ذهن خود رودخانه‌ای خروشان را تخیل می‌کند، کنشی اجتماعی انجام داده است؟



■ برخی کنش‌ها در حضور دیگران انجام نمی‌شوند اما اجتماعی‌اند. در مقابل، برخی کنش‌ها با اینکه در حضور دیگران انجام می‌شوند، فردی هستند.

برای شناخت عمیق‌تر کنش اجتماعی، لازم است کمی بیشتر به واژه «دیگران» دقت کنید. دیگران، یعنی کسانی که کنشگران با توجه به آنها دست به کنش می‌زنند، متفاوت‌اند و کنش‌هایی هم که با توجه به آنها انجام می‌شوند، با یکدیگر تفاوت دارند. در اینجا انواع مختلفی از دیگران ذکر شده است. تلاش کنید در رابطه با هر کدام، یک کنش اجتماعی مثال بزنید.

غریبه / آشنا

دوست / دشمن

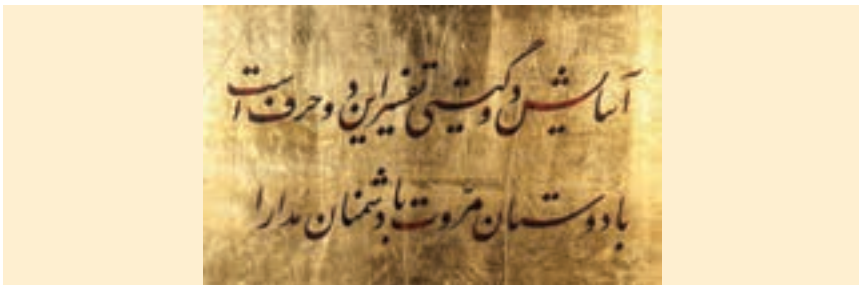
گذشتگان / معاصران / آیندگان

مؤمن / کافر / منافق

آیا تاکنون فکر کرده‌اید که آداب و قواعد ارتباط با دیگران چگونه شکل می‌گیرند، چگونه دوام می‌آورند یا تغییر می‌کنند؟

(برای آشنایی با آداب برقراری ارتباط با دیگران، می‌توانید به کتاب مفاتیح‌الحیة اثر آیت‌الله جوادی آملی مراجعه کنید.)

محمد رسول الله والذین معه أشداء علی الکفار رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ



پدیده‌های اجتماعی کدام‌اند و چگونه شکل می‌گیرند؟

به پدیده‌های اطرافتان توجه کنید. تعدادی از آنها را روی کاغذ بنویسید. برخی از پدیده‌هایی که نوشته‌اید، اجتماعی‌اند. به کمک دبیر خود آنها را مشخص کنید. چرا این پدیده‌ها را اجتماعی می‌دانید؟ به نظر شما، این پدیده‌ها چه ارتباطی با کنش اجتماعی دارند؟

به کنش اجتماعی و پیامدهای آن «پدیده اجتماعی» می‌گویند. کنش اجتماعی خردترین پدیده اجتماعی است و سایر پدیده‌های اجتماعی، آثار و پیامدهای آن هستند. بانک، مسجد، پلیس، مدرسه، خانواده، گروه دوستان، نمادها، هنجارها، ارزش‌ها و باورهای اجتماعی نمونه‌هایی از پدیده‌های اجتماعی هستند. اگر این پدیده‌ها وجود نداشته باشند، ما انسان‌ها نمی‌توانیم با هم زندگی کنیم.

مثلاً فردی به تنهایی و با صدای دلخواه در اتاقی مطالعه می‌کند. حال اگر فرد دیگری وارد اتاق شود، مطالعه او به یک کنش اجتماعی تبدیل می‌شود و پای ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را به میان می‌آورد. چنین فردی برای رعایت حقوق دیگری باید تا زمانی که او در اتاق حضور دارد، آرام مطالعه کند.

با توجه به این مثال، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی چه ارتباطی با کنش اجتماعی دارند؟ هنجار اجتماعی، شیوه انجام کنش اجتماعی است که مورد قبول افراد جامعه قرار گرفته است؛ مثلاً در هر جامعه‌ای احوالپرسی از دیگران شیوه‌های معینی دارد.

ارزش‌های اجتماعی آن دسته از پدیده‌های مطلوب و خواستنی هستند که مورد توجه و پذیرش اند و افراد یک جامعه، به آنها گرایش و تمایل دارند.

اگر کنش اجتماعی نباشد، هیچ هنجاری شکل نمی‌گیرد و هیچ‌یک از ارزش‌های اجتماعی، مانند عدالت، امنیت، سعادت و آزادی، محقق نمی‌شوند.

ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی بعد از اینکه از طریق کنش‌های اجتماعی تحقق پیدا کردند، شکل‌گیری پدیده‌های اجتماعی دیگر، یعنی جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی را ضروری می‌سازند تا ارزش‌ها و هنجارها از این طریق به افراد منتقل شوند. افراد نیز با انجام کنش‌های خود بر اساس ارزش‌ها و هنجارها، به آنها تداوم می‌بخشند.

تمامی پدیده‌های اجتماعی خرد و کلان به همین طریق ساخته می‌شوند. پدیده‌های اجتماعی با کنش‌های اجتماعی ما به وجود می‌آیند ولی خود بر کنش‌های اجتماعی ما تأثیر می‌گذارند.



■ عقاید، ارزش‌ها و هنجارها از طریق جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی به افراد منتقل می‌شوند.



پدیده‌های اجتماعی را انسان‌ها در ارتباط با یکدیگر به‌وجود می‌آورند و چون افراد با آگاهی، اراده و هدف عمل می‌کنند، پدیده‌های اجتماعی معنا دارند.

■ خانه در معماری اسلامی و افسانه‌های شرقی، کیهانی است که به بلوری تبدیل شده است؛ جهانی با چهار جهت، گنبد آسمان در بالا و چشمه‌ای جوشان درست در مرکز

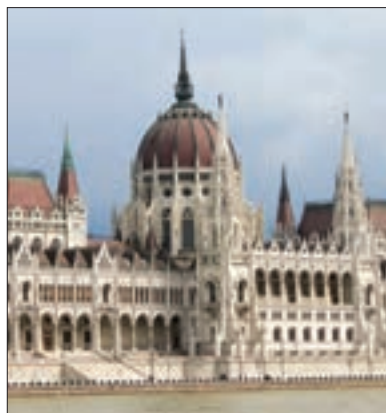
مقایسه کنید

پدیده‌های اجتماعی با پدیده‌های طبیعی تفاوت دارند. کوه پدیده‌ای طبیعی و ساختمان اداری، پدیده‌ای اجتماعی است. با مقایسه آنها بر اساس معیارهای ذکر شده در جدول، این تفاوت‌ها را بهتر درمی‌یابید.

| معیار | کوه | ساختمان اداری |
|------------------------|-----|---------------|
| نقش انسان در پیدایش آن | | |
| معنادار بودن | | |
| محسوس بودن | | |



■ چشمه پلکانی باداب سورت، در مرز میان ساری و سمنان، دومین میراث طبیعی ایران بعد از کوه دماوند در فهرست آثار ملی

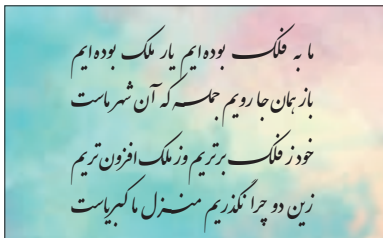


■ مجلس مجارستان در سال‌های پایانی قرن ۱۹ تا اوایل قرن ۲۰ و از جاذبه‌های گردشگری این کشور



درس سوم جامعه و فرهنگ

شما با دو واژه جامعه و فرهنگ آشنا هستید؛ در گفت‌وگوها از آنها استفاده می‌کنید و معمولاً آنها را با هم به کار می‌برید. درباره این دو واژه چه می‌دانید؟ وقتی به شهری سفر می‌کنید، افرادی را می‌بینید که با یکدیگر زندگی می‌کنند. اگر مدتی در آن شهر بمانید و با آنها زندگی کنید، به تدریج با شیوه زندگی و چگونگی ارتباطات آنها آشنا می‌شوید. آنچه در نخستین برخورد مشاهده می‌کنید، جامعه و آنچه به تدریج می‌آموزید، فرهنگ است.



■ فرهنگ‌های مختلف درباره عالم و آدم دیدگاه‌های متفاوتی دارند.



■ تعزیه، نمایش مذهبی و سنتی ایرانی با موضوع واقعه کربلا.

از جامعه و فرهنگ چه تصویری دارید؟

جامعه و فرهنگ دو پدیده اجتماعی کلان هستند که توسط انسان‌ها پدید آمده‌اند. به نظر شما، بین این دو واژه چه نسبتی وجود دارد؟ جامعه و فرهنگ چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟

«جامعه» به گروهی از انسان‌ها گفته می‌شود که برای سالیان متمادی با یکدیگر زندگی می‌کنند. «فرهنگ» شیوه زندگی گروهی از انسان‌هاست که با یکدیگر زندگی می‌کنند. خوراکی‌ها، پوشش‌ها، گویش‌ها، آداب و رسوم عروسی و عزاداری، آداب معاشرت، شیوه‌های گذران اوقات فراغت، شیوه‌های یاددهی و یادگیری، ارزش‌ها و باورهای اخلاقی، نوع نگرش به عالم و آدم و... از مصادیق فرهنگ به شمار می‌آیند.



■ آداب و رسوم، بازی‌های محلی، صنایع دستی و خوراکی‌ها از مصادیق فرهنگ‌اند.

جامعه بدون فرهنگ وجود ندارد. فرهنگ نیز بدون جامعه پدید نمی‌آید. جامعه و فرهنگ را می‌توان به جسم و جان انسان تشبیه کرد. جامعه مانند جسم و کالبد، و فرهنگ همانند جان و روح است.

جوامع مختلف، فرهنگ‌های متفاوت دارند؛ یعنی مردم در جوامع مختلف شیوه‌های متفاوتی برای زندگی با یکدیگر دارند؛ زیرا فرهنگ، آگاهی مشترک مردم یک جامعه است. فرهنگ آموختنی است و از راه آموزش و تربیت از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.

آیا در یک جامعه، شیوه زندگی مردم در همه مناطق یکسان است؟

ما ایرانی‌ها ایران را کشور خود می‌دانیم؛ از حق و حقیقت دفاع می‌کنیم، راست‌گویی را ارج می‌نهییم، ظلم و بی‌عدالتی را بد می‌شماریم، احترام به بزرگ‌ترها را لازم می‌دانیم و انسان‌های فداکار را تحسین می‌کنیم اما همه ما در سراسر کشور با گویش و لهجه واحدی سخن نمی‌گوییم. مردم هر شهر، خصوصیات اخلاقی و رفتاری ویژه‌ای دارند و هر صنف دارای ارزش‌ها، مقررات، دانش‌ها و مهارت‌های خاصی است.

آن بخش از فرهنگ که همه مردم یک جامعه در آن اشتراک دارند، «فرهنگ عمومی» و بخش‌هایی که مربوط به یک قوم، قشر، صنف یا گروه است، «خرده فرهنگ» نامیده می‌شود.



■ بخشی از آداب و رسوم ازدواج و عروسی در میان تمامی اعضای جامعه ما مشترک است ولی آداب و رسوم مخصوص به خود را نیز دارند.

خرده فرهنگ‌هایی که درون یک فرهنگ عمومی قرار دارند، اغلب با فرهنگ عمومی سازگارند. به خرده فرهنگ‌های سازگار با فرهنگ عمومی، «خرده فرهنگ موافق» می‌گویند. در مواردی ممکن است عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و مهارت‌های پذیرفته شده در یک خرده فرهنگ، ناسازگار و مخالف با فرهنگ عمومی باشد. در این صورت، این خرده فرهنگ، «ضد فرهنگ» نامیده می‌شود.



■ خرده فرهنگ اقوام و اصناف مختلف، اغلب خرده فرهنگ موافق و خرده فرهنگ اوباش و گدایان، ضد فرهنگ است.

گفت و گو کنید

بادوستان خود درباره ویژگی های فرهنگ عمومی ایرانی - اسلامی و خرده فرهنگ های رایج درون این فرهنگ عمومی گفت و گو کنید.

ببینیم و بدانیم

مجموعه مستند «برای مهمانی» آیین های ماه مبارک رمضان در مناطق مختلف ایران را معرفی می کند. با مشاهده هر قسمت از این مجموعه، با خرده فرهنگ های رایج در ماه رمضان در یکی از شهرها یا روستاهای ایران آشنا می شوید.

آیا جامعه و فرهنگ صرفاً تابع خواست و ارادهٔ افرادند؟

آموختید که انسان‌ها با آگاهی و ارادهٔ خود به کنش اجتماعی می‌پردازند و با همین کنش‌ها در ساختن جامعه و فرهنگ و تداوم آنها مشارکت می‌کنند، اما آیا این بدان معناست که ما همواره می‌توانیم هرطور که بخواهیم جامعه و فرهنگ را بسازیم یا تغییر دهیم یا اینکه جامعه و فرهنگ پس از آنکه پدید آمدند، پیامدهایی دارند که بر کنش‌های ما تأثیر می‌گذارند؟

یکی از جامعه‌شناسان معتقد است که سهم مردگان در ساختن جامعه بیشتر از سهم زندگان است؛ یعنی سهم پیشینیان ما در ساختن جامعه، بیشتر از ما بوده است. همچنان که سهم ما در ساختن جامعه و فرهنگ آیندگان بیش از آیندگان است. شما در این باره چه فکر می‌کنید؟



■ ما طبیعت را از گذشتگانمان به ارث نبرده‌ایم، آن را از آیندگانمان به امانت گرفته‌ایم.



■ بزرگ‌ترین معجزهٔ شهیدان این است که به نسل‌های بعد ایمان به خویشان می‌بخشد.

بخوانیم و بدانیم

تصور کنید که وارد یک مهمانی شده‌اید. دیر رسیده‌اید. دیگران پیش از شما آمده‌اند و درگیر بحثی داغ هستند که نمی‌توانند آن را حتی برای چند لحظه متوقف کنند و به شما بگویند موضوع چیست. بحث پیش از آنکه همهٔ افراد به مهمانی رسیده باشند، شروع شده است؛ بنابراین، هیچ‌یک از حاضران نمی‌تواند به‌طور دقیق به شما بگوید که بحث چه مرحله‌ای را پشت سر گذاشته است. مدتی می‌نشینید و گوش می‌دهید. بعد رشتهٔ بحث را به دست می‌گیرید و وارد گفت‌وگو می‌شوید. نظر خودتان را می‌گویید؛ کسی به شما پاسخ می‌دهد و شما پاسخ او را می‌دهید. کسی به دفاع از شما بر می‌خیزد و دیگری به صف طرف مقابل شما می‌پیوندد... دیروقت می‌شود و شما باید بروید اما بحث و گفت‌وگو همچنان ادامه دارد.

زندگی اجتماعی شبیه همین گفت‌وگوست.

(فلسفهٔ امروزین علوم اجتماعی، برایان فی)

ما انسان‌ها در جامعه‌ای چشم به جهان می‌گشاییم که توسط گذشتگان ما پدید آمده است. جامعه‌ای که باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای آن شکل گرفته‌اند اما هر یک از ما صرفاً کنشگری منفعل نیستیم بلکه می‌توانیم برای تداوم و پیشرفت این جامعه تلاش کنیم یا به سوی جامعه و فرهنگ دیگری گام برداریم.

جامعه و فرهنگ با آگاهی و اراده‌ی انسان‌ها پدید می‌آیند اما این پدیده‌ها پس از آنکه با کنش‌های انسان‌ها تحقق پیدا کردند، پیامدهایی را به دنبال می‌آورند که وابسته به اراده‌ی تک‌تک افراد نیستند. این پیامدها، به صورت فرصت‌ها و محدودیت‌ها ظاهر می‌شوند؛ یعنی فرصت‌ها و محدودیت‌هایی برای کنش‌های بعدی ما فراهم می‌آورند و زندگی ما را متأثر می‌سازند.

این فرصت‌ها و محدودیت‌ها به یکدیگر وابسته‌اند و هیچ‌کدام بدون دیگری محقق نمی‌شوند. به عبارت دقیق‌تر، فرصت‌ها و محدودیت‌ها دو روی یک سکه‌اند.

هر جامعه و فرهنگی فرصت‌هایی در اختیار انسان‌ها قرار می‌دهد و محدودیت‌هایی نیز برای آنها ایجاد می‌کند.

تا زمانی که هر جامعه و فرهنگی از طریق مشارکت اجتماعی افراد پابرجاست، پیامدهای آن نیز باقی است. با تغییر جامعه و فرهنگ، پیامدهای آن نیز تغییر می‌کند و جامعه و فرهنگ جدیدی شکل می‌گیرد و پیامدهای دیگری به دنبال می‌آورد.

جوامع و فرهنگ‌های مختلف را می‌توان بر اساس آرمان‌ها و ارزش‌هایشان و همچنین فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که به دنبال می‌آورند، ارزیابی کرد.

برخی جوامع و فرهنگ‌ها نیازهای روحی و معنوی انسان را نادیده می‌گیرند و برخی به نیازهای مادی و دنیوی انسان بی‌توجه‌اند. آیا جامعه و فرهنگی را می‌شناسید که برخی نیازهای انسان را نادیده گرفته باشد؟



■ فیلم سینمایی «عصر جدید»، ناامیدی مردم از وضعیت اقتصادی در دوره‌ی رکود بزرگ و همچنین، گرفتار شدن آنها در روزمرگی‌های دنیای مدرن را به تصویر می‌کشد.



■ ایستگاه فضایی بین‌المللی، فضایی برای کار، پژوهش و زندگی فضانوردان در مدار نزدیک زمین است. گسترش فناوری از فرصت‌های جهان غرب است.

ببینیم و بدانیم

«عصر جدید» یک فیلم کم‌دی صامت است که شخصیت اصلی آن برای زنده ماندن در دنیای صنعتی مدرن تلاش می‌کند.
با دیدن این فیلم با برخی محدودیت‌های دنیای مدرن آشنا می‌شوید.

گفت‌وگو کنید

با راهنمایی دبیر خود، دربارهٔ دو فرهنگ متفاوت و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که برای بشریت به همراه داشته‌اند، گفت‌وگو کنید.

خلاصه کنید

— فرهنگ، روح و جان یک جامعه است.

مفاهیم اساسی

فرهنگ،

آنچه از این درس آموختیم



درس چهارم ارزیابی فرهنگ‌ها

همه ما در یک جامعه که دارای فرهنگ است، متولد شده‌ایم. اگر ما فقط جامعه‌ای را ببینیم که در آن به دنیا آمده‌ایم، شاید گمان کنیم که جامعه و فرهنگ تنها یک شکل دارد اما اگر جامعه خود را با جوامع دیگری که هم اکنون در نقاط دیگر دنیا وجود دارند، یا با جامعه خودمان در گذشته مقایسه کنیم، پی می‌بریم که جامعه و فرهنگ فقط یک شکل ندارد و انسان‌ها انواع گوناگونی از جوامع و فرهنگ‌ها را پدید می‌آورند. فرهنگ‌های مختلف را چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟



■ راهبان بودایی تبتی در مراسم اخراج ارواح شیطانی از معبد، که هر سال هم‌زمان با جشن سال نو برگزار می‌شود.



■ در جشن هالووین، حیاط برخی خانه‌ها و مکان‌های عمومی با پیکره‌ها و اشیایی ترسناک مانند جادوگر، اسکلت، روح یا سنگ قبر تزیین می‌شود.

منظور از فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی چیست؟

یک راه ارزیابی فرهنگی‌ها، بررسی آرمان‌ها و ارزش‌هایشان است. مردمی که در یک جامعه زندگی می‌کنند، اهداف، آرمان‌ها و ارزش‌های مشترکی دارند؛ مانند رفع نیازهای اولیه، آزادی، عدالت، امنیت، عزت و پیشرفت. وقتی مردم مطابق آرمان‌ها عمل کنند، آرمان‌ها به واقعیت تبدیل می‌شوند، ولی آیا مردم همواره مطابق آرمان‌های جامعه خود عمل می‌کنند؟

انسان‌ها اغلب خدمت به هم‌نوعان، رعایت مقررات، احترام به پدر و مادر، راستگویی و امانت‌داری را خوب و پسندیده می‌دانند و خیانت، دروغ‌گویی، ظلم، رشوه و دزدی را ناپسند و ناروا می‌شمارند. به نظر شما، آیا مردم همواره مطابق آنچه خوب می‌دانند، عمل می‌کنند یا گاهی برخی رفتارهایشان بر خلاف ارزش‌ها و هنجارهایی است که از آنها طرف‌داری می‌کنند؟ بخشی از فرهنگ که مردم یک جامعه از آن جانب‌داری می‌کنند و رعایت آن را لازم می‌دانند اما در عمل ممکن است آن را نادیده بگیرند، «فرهنگ آرمانی» نامیده می‌شود. آن بخش از فرهنگ که مردم به آن عمل می‌کنند، «فرهنگ واقعی» نام دارد.

مرز و محدوده فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی بر اساس عمل مردم تغییر می‌کند. هر اندازه مردم مطابق آرمان‌ها و ارزش‌ها عمل کنند، به همان اندازه، آرمان‌ها وارد فرهنگ واقعی می‌شوند اما اگر مردم به آرمان‌ها و ارزش‌هایی که رعایت آنها در فرهنگ آرمانی لازم دانسته می‌شود عمل نکنند، فرهنگ واقعی از فرهنگ آرمانی فاصله می‌گیرد.



■ بخشی از فرهنگ آرمانی، بیرون از فرهنگ واقعی و شامل اموری است که مردم در سطح آرمان‌ها از آنها طرف‌داری می‌کنند ولی در عمل، آنها را نادیده می‌گیرند.

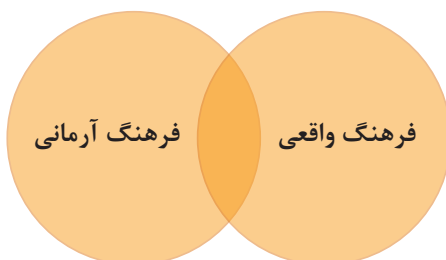


■ بخشی از فرهنگ واقعی درون محدوده فرهنگ آرمانی نیز قرار می‌گیرد؛ یعنی مردم مطابق آنچه عمل می‌کنند که رعایت آن را مهم و ضروری می‌دانند.



■ بخشی از فرهنگ واقعی خارج از فرهنگ آرمانی واقع می‌شود و شامل اموری است که مردم رعایت آنها را در سطح آرمان‌ها لازم نمی‌دانند ولی به آنها عمل می‌کنند.

برنامه‌ریزان فرهنگی در هر جامعه تلاش می‌کنند که از طریق تعلیم و تربیت، زمینه تحقق هر چه بیشتر فرهنگ آرمانی و ورود آن به قلمرو فرهنگ واقعی را فراهم کنند.



بخوانیم و بدانیم

برخی افراد از آرمان‌ها و ارزش‌ها سخن می‌گویند ولی در عمل به آنها پایبند نیستند. قرآن کریم به این افراد این‌گونه خطاب می‌کند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا سخنی می‌گویید که به آن عمل نمی‌کنید؟ نزد خدا بسی ناپسند است سخنی بگویید که به آن عمل نمی‌کنید. خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در صفی واحد، همانند سدی مستحکم، در راه او قیام می‌کنند (صف: ۳ و ۴).

محدوده فرهنگ آرمانی و واقعی در هر جامعه‌ای دستخوش تغییر می‌شود. به علاوه، جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است؛ زیرا آرمانی یا واقعی بودن یک پدیده، بر اساس نوع نگاه و رفتار



افراد و جوامع تعیین می‌شود. پدیده‌ای در یک جامعه، درون فرهنگ آرمانی و در جامعه دیگر درون فرهنگ واقعی قرار می‌گیرد؛ مثلاً امنیت برای یک کشور آشوب زده، پدیده‌ای درون فرهنگ آرمانی و برای یک کشور بسامان، درون فرهنگ واقعی است. در یک جامعه نیز، پدیده‌ای در برهه‌ای از زمان صرفاً آرمان است و در زمانی دیگر، تحقق می‌یابد و به واقعیت تبدیل می‌شود. آیا می‌توانید برخی از آرمان‌هایی را که با انقلاب اسلامی وارد محدوده فرهنگ واقعی جامعه ما شده‌اند، بیان کنید؟

در جدول زیر، سه نمونه از آرمان‌های جامعه خود را که کمابیش بیرون از فرهنگ واقعی یا درون آن قرار گرفته‌اند، بنویسید.



| آرمان‌ها | |
|----------------------|----------------------|
| بیرون از فرهنگ واقعی | درون فرهنگ واقعی |
| ساده‌زیستی | احترام به پدر و مادر |
| | |
| | |

منظور از فرهنگ حق و فرهنگ باطل چیست؟

واقعیت‌های هر جامعه را می‌توان بر اساس آرمان‌ها و ارزش‌های آن ارزیابی کرد؛ یعنی، بررسی نمود که آیا مردم مطابق آرمان‌ها و ارزش‌ها عمل می‌کنند یا نه، ولی آیا مردم باید هر آرمانی را بپذیرند و مطابق آن عمل کنند؟ آیا همه آرمان‌ها و ارزش‌ها درست‌اند تا واقعیات را بر اساس آنها ارزیابی کنیم؟ آیا راهی برای ارزیابی آرمان‌ها و ارزش‌ها وجود دارد؟

عقایدی که مردم درباره انسان و جهان دارند، ارزش‌هایی که محترم می‌شمارند، هنجارها و سنت‌هایی که با توجه به آنها عمل می‌کنند، سبک‌ها و شیوه‌هایی که برای زندگی انتخاب می‌کنند و تکنیک‌ها و مهارت‌هایی که به کار می‌گیرند، گاهی درست و گاهی نادرست‌اند. بخش‌هایی از فرهنگ که از نظر علمی صحیح و مطابق فطرت انسان باشد، «فرهنگ حق» و بخش‌هایی که از نظر علمی قابل دفاع نباشد و بر اساس خرافات شکل گرفته باشد، «فرهنگ باطل» است.



■ توحید از جمله عقاید حق، و شرک از جمله عقاید باطل است.

عقیده به توحید، وفای به عهد، عدالت، تحمل دیگران و مدارا با کسانی که از شناخت حقیقت محروم مانده‌اند، حمایت از مستضعفان و مظلومان، دفاع از حقوق انسان‌ها و مهربانی با یکدیگر از جمله عقاید و ارزش‌های حق‌اند.

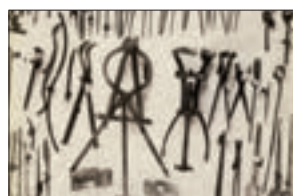
شرک، ظلم، بی‌عدالتی، تجاوز به حقوق دیگران و دنیاپرستی از جمله عقاید و ارزش‌های باطل‌اند. آیا می‌توانید نمونه‌های دیگری از عقاید و ارزش‌های حق و باطل را بیان کنید؟ حق یا باطل بودن هر بخش از فرهنگ، با علم متناسب با همان بخش شناخته می‌شود. علوم تجربی می‌توانند دربارهٔ فنون و روش‌های اجرایی داوری کنند؛ مثلاً درست یا نادرست بودن شیوهٔ مداوای بیماران را با روش‌های تجربی می‌توان شناخت.



■ دندان پزشکی منسوب به مصر باستان



■ طب سوزنی، شاخهٔ مهم طب سنتی چین



■ ابزارهای جراحی در روم باستان

حق یا باطل بودن عقاید و ارزش‌ها را نمی‌توان با علوم تجربی شناخت. عقل و وحی دو ابزار مهم شناخت عقاید و ارزش‌ها هستند و علمی که از این دو ابزار بهره می‌گیرند، می‌توانند دربارهٔ حق یا باطل بودن فرهنگ‌های مختلف داوری کنند.

بخوانیم و بدانیم

غربی‌ها در مراسم تشییع جنازهٔ نزدیکانشان اشک نمی‌ریزند؛ اندوه خود را پنهان می‌کنند و اگر گریه‌شان بگیرد، دور از چشم دیگران گریه می‌کنند اما مراسم را باشکوه و منظم برگزار می‌کنند. مرده را در تابوتی گران‌بها می‌گذارند، لباس‌های رسمی به او می‌پوشانند و دفنش می‌کنند. برعکس، ایرانی‌ها در مراسم سوگواری بسیار گریه می‌کنند و ابداً حزن و اندوه خود را پنهان نمی‌کنند اما مراسم تشییع جنازه‌شان چندان منظم نیست و مرده را بدون لباس‌های فاخر به خاک می‌سپارند. غربی‌ها خیلی سرد و بی‌احساس‌اند یا ایرانی‌ها بیش از حد ضعیف و احساساتی هستند؟ گاهی ما سایر فرهنگ‌ها را در مقایسه با فرهنگ خودمان ارزیابی می‌کنیم. جامعه‌شناسان این کار را اشتباه می‌دانند. به‌نظر آنها هر رسم و سنتی درون فرهنگ خود، معنا و کارکردی دارد؛ بنابراین، درست و علمی نیست که ما فرهنگ دیگران را با توجه به فرهنگ خودمان نقد و ارزیابی کنیم. نظر جامعه‌شناسان تا اینجا صحیح است. اینکه ما بگوییم غربی‌ها سرد و بی‌احساس‌اند چون در مراسم

سوگواری گریه نمی‌کنند یا آنها بگویند که ایرانی‌ها ضعیف و احساساتی‌اند چون بسیار برای مردگان خود می‌گیرند، هیچ کدام قضاوت‌های صحیحی نیستند. اما باید توجه داشته باشیم که این بدان معنا نیست که امکان مقایسه و ارزیابی فرهنگ‌ها و داوری علمی و عقلانی درباره آنها وجود ندارد. ما می‌توانیم فرهنگ خودمان و فرهنگ‌های دیگر را بر اساس فرهنگ حق ارزیابی کنیم و میزان نزدیکی هر فرهنگی به فرهنگ حق یا دوری از آن را مشخص نماییم. برای مثال، اگر پرخوری در فرهنگی پذیرفته و متداول است، ما به عنوان یک فرد بیرونی می‌توانیم ضررهای آن را گوشزد کنیم. اگر ضرب و شتم داماد و عروس در مراسم عروسی از رسوم رایج در جامعه‌ای باشد، ما می‌توانیم درباره نادرست بودن آن اظهار نظر نماییم. اگر جامعه‌ای عدالت را از یاد برده و به بی‌عدالتی عادت کرده باشد، می‌توانیم ناپسند بودن این سبک زندگی را دریابیم، نقد کنیم و خطرات آن را متذکر شویم و....

فرهنگ حق معیار ارزیابی همه فرهنگ‌هاست.



■ در مراسم عروسی برخی کره‌ای‌ها، دوستان داماد، پاهای او را با طناب می‌بندند و در حالی که با چوب نیشکر یا هر وسیله دیگری بر کف پای او ضربه می‌زنند، از او سؤالاتی می‌پرسند تا میزان اطلاعات او و همچنین مقاومت وی در برابر سختی‌ها را به همه میهمانان نشان دهند.

■ سیاه کردن عروس و داماد رسمی است که چند روز پیش از عروسی در مناطق روستایی اسکاتلند اجرا می‌شود. مطابق این رسم، بستگان و دوستان، چیزهایی را که با آنها بتوان عروس و داماد را کثیف و سیاه کرد، به طرف آن دو پرتاب می‌کنند.

حق یا باطل بودن عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و کنش‌ها، بر اساس آگاهی یا جهل، و توجه یا بی‌توجهی مردم جوامع مختلف نسبت به آنها تعیین نمی‌شود.

نژادپرستی و برتر دانستن یک قوم یا گروه خاص، پول پرستی و شرک از عقاید و ارزش‌های باطل‌اند و باطل بودن آنها با نظرجوامع مختلف، دگرگون نمی‌شود.



■ بت پرستی، ظلم، نژادپرستی و تبعیض‌های نژادی و قومی همواره باطل‌اند حتی اگر از طرف همه اعضای یک جامعه پذیرفته شده باشند.

توحید، آزادی انسان‌ها از همهٔ بندها و موانعی که بر سر راه سعادت آنها وجود دارد، عدالت و ایجاد شرایط مناسب برای رشد و تعالی همهٔ انسان‌ها، از عقاید و ارزش‌های حق‌اند و درستی آنها با موافقت یا مخالفت آدمیان تغییر نمی‌کند.



■ انتظار یعنی قبول نکردن وضع موجود زندگی انسان و تلاش برای رسیدن به وضع مطلوب؛ یعنی ایمان به اینکه در نهایت، پس از مقابله با این همه ظلم و ستم و تاریکی، خورشید ظهور خواهد کرد.

جوامع مختلف با ایمان به حق، حقیقت را به فرهنگ آرمانی خود وارد می‌کنند و با عمل به حق، آن را به فرهنگ واقعی‌شان وارد می‌نمایند. اگر جوامع مختلف به حق ایمان نیاورند و بر اساس آن عمل نکنند، حق به فرهنگ آرمانی و واقعی آنها راه پیدا نخواهد کرد.

بنابراین، حقایق ثابت‌اند ولی از نظر وارد شدن به فرهنگ آرمانی و واقعی جوامع، تغییرپذیرند؛ یعنی برای جوامع امکان پذیرش حق و ترک باطل وجود دارد. همان‌گونه که امکان انحراف از حق و روی آوردن به باطل نیز وجود دارد. جوامع می‌توانند حق یا باطل را برگزینند اما حق و باطل بر اساس گزینش آنها تغییر نمی‌کنند.

مقایسه کنید

با توجه به مطالبی که در این درس آموختید، چه تفاوتی میان فرهنگ آرمانی و فرهنگ حق وجود دارد؟



هویت فردی و اجتماعی

درس پنجم

افراد در موقعیت‌های گوناگون با پرسش «کیستی؟» مواجه می‌شوند یا از خودشان می‌پرسند به‌راستی «من کیستم؟». آنها در پاسخ به این پرسش خودشان را معرفی می‌کنند و در معرفی خود به ویژگی‌هایی از این قبیل اشاره می‌کنند: نوجوان، متولد هشتم آبان ۷۹، مؤمن، گندمگون، ورزشکار، وقت‌شناس، صبور، راستگو، ایرانی و.... آنچه در پاسخ به پرسش کیستی گفته می‌شود و با آن هر شخص از افراد دیگر متمایز می‌گردد، «هویت» فرد را تشکیل می‌دهد.

● ما در شکل‌گیری بعضی ویژگی‌های هویتی مانند دختر یا پسر بودن نقشی نداریم اما بسیاری از ویژگی‌های هویتی مانند صفات اخلاقی را خودمان شکل می‌دهیم یا در شکل‌گیری آنها سهم زیادی داریم. بعضی ویژگی‌ها هستند که در به دست آوردنشان نقشی نداریم اما با تلاش می‌توانیم آنها را تغییر دهیم؛ مانند موقعیت اجتماعی که در زمان تولد از طریق خانواده به ما داده می‌شود و ما در طول زندگی، می‌توانیم آن را تغییر دهیم.

● برخی از ویژگی‌های هویتی تغییر می‌کنند؛ مانند جایگاه فرد در جامعه که تابع دانایی، توانایی و دارایی اوست، ولی برخی ویژگی‌ها مانند زمان و مکان تولد، تغییر نمی‌کنند.

● فرد بدون عضویت در گروه‌های اجتماعی نمی‌تواند برخی ویژگی‌ها را داشته باشد؛ مثلاً فقط با عضویت در جامعه ایران، ایرانی محسوب می‌شویم؛ در حالی که زرتنگی یا تنبلی و صبوری یا زودرنجی ویژگی‌های فردی ما هستند.

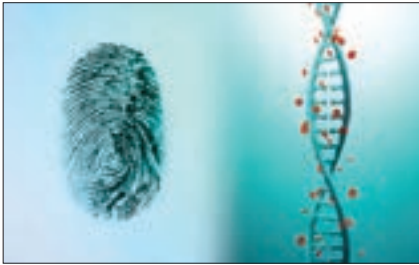
آیا می‌توانید برخی از ویژگی‌های هویتی خود را نام ببرید و اکتسابی یا انتسابی بودن فردی یا اجتماعی بودن و ثابت یا متغیر بودن آنها را تعیین کنید؟

هویت فردی و اجتماعی چه نسبتی با هم دارند؟

هویت دارای دو بعد فردی و اجتماعی است. هویت فردی نیز شامل دو بعد جسمانی و نفسانی است، بنابراین، هویت انسان سه بعد دارد:

- بُعد جسمانی (بدن)
- بُعد نفسانی (ویژگی‌های اخلاقی و روانی)
- بُعد اجتماعی (نقش‌ها و عضویت فرد در جامعه).

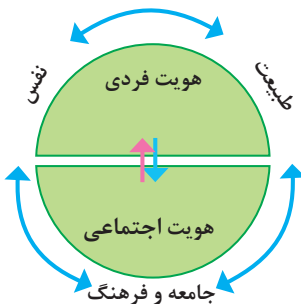
آیا می‌توانید برای هر کدام از این ابعاد، نمونه بیاورید؟ آیا میان این سه بُعد ارتباطی وجود دارد؟



سه بُعد هویت ما از یکدیگر جدا نیستند بلکه با هم تعامل یا ارتباط متقابل و دو سویه دارند و بر یکدیگر اثر می‌گذارند؛ برای مثال:

- ترشح بیش از اندازه غده تیروئید موجب عصبانی شدن انسان‌ها می‌شود.
- برخی بیماری‌های جسمانی به کمک قوای روانی درمان می‌شوند.^۱
- جوان مؤمن امیدوار پرتلاش پُرانگیزه دانش دوست، موفق خواهد شد.
- شرافت و وقار و سلحشوری از ویژگی‌های صحرائشینان است.^۲

آیا می‌توانید بگویید هر کدام از این مثال‌ها نشان‌دهنده رابطه کدام ابعاد هویت با یکدیگر است؟

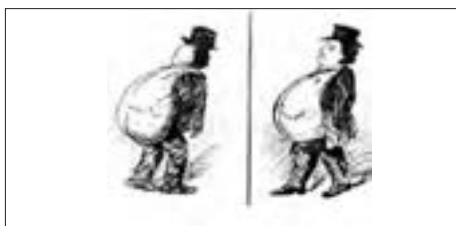


تا اینجا با ابعاد مختلف هویت و تعامل آنها با یکدیگر آشنا شدید. اکنون پرسش دیگری مطرح می‌شود و آن این است که بین هویت فردی و اجتماعی ما و هویت جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، چه رابطه‌ای وجود دارد.

۱- در هر کاری که اراده آدمی برای انجام آن قوی باشد، بدن دچار ضعف و ناتوانی نمی‌شود. (امام صادق علیه السلام)

۲- ابن خلدون در کتاب «مقدمه»، در بیان تفاوت میان شهرنشینان و بادیه‌نشینان، چنین صفاتی را برای صحرائشینان برشمرده است.

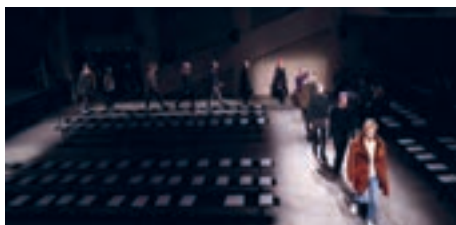
هویت اجتماعی هر فرد، درون یک جامعه و بر اساس آنچه برای آن جامعه اهمیت دارد، شکل می‌گیرد. در جامعهٔ قبیله‌ای، هویت اجتماعی افراد اغلب براساس جایگاه آنها در قبیله مشخص می‌شود. در جامعهٔ سرمایه‌داری، هویت اجتماعی افراد بیشتر به دارایی و توان اقتصادی آنها وابسته است. در جامعهٔ دینی، هویت اجتماعی افراد بر اساس عقاید و ارزش‌هایی تعیین می‌شود که آن دین محترم می‌شمارد؛ مثلاً اسلام هویت افراد را با تقوا، عدالت و علم ارزیابی می‌کند.



■ رعیت‌های یک زمین‌دار (فئودال) انگلیسی در حال برداشت گندم ■ دارا یا نادر بودن؛ مهم‌ترین ویژگی هویتی افراد در جامعهٔ سرمایه‌داری

هر جامعه و فرهنگی با توجه به عقاید و ارزش‌هایش با نوع خاصی از هویت اخلاقی و روانی افراد سازگار است؛ پس، زمینهٔ پیدایش و رشد همان هویت را فراهم می‌آورد و امکان پیدایش و رشد دیگر انواع را تضعیف می‌کند. برای مثال، جامعه و فرهنگ غرب با بعضی ویژگی‌های اخلاقی مانند فردگرایی، دم‌غنیمت‌شماری، فرصت‌طلبی، انضباط، تجمل‌گرایی، تَبَرُّج، رفاه‌طلبی و مال‌اندوزی سازگار است و با بسیاری از ویژگی‌های اخلاقی مانند قناعت، حیا، بندگی خدا، تقوا، خوف و رجای الهی، شکر و رضای الهی و توکل سازگار نیست. از سوی دیگر، هویت اخلاقی و روانی افراد نیز بر جامعه اثر می‌گذارد. یک انسان با تقوا، جهانی را تغییر می‌دهد. (امام خمینی ره)

نگاه جوامع و فرهنگ‌های مختلف به بُعد جسمانی هویت و بدن انسان نیز با هم تفاوت دارد. مثلاً فرهنگ غرب بر بُعد جسمانی و زیبایی‌های بدنی تأکید و تمرکز می‌کند و هر نوع تصرفی را در طبیعت و بدن مجاز می‌داند؛ در حالی که براساس فرهنگ اسلامی، انسان حق ندارد خلاف ارادهٔ حکیمانهٔ الهی در طبیعت و بدن خود دخل و تصرف کند.



■ برگزاری مسابقات بین‌المللی زیبایی و نمایشگاه‌های مُد، از توجه و تمرکز فرهنگ غرب بر بُعد جسمانی هویت حکایت می‌کند.

بخوانیم و بدانیم

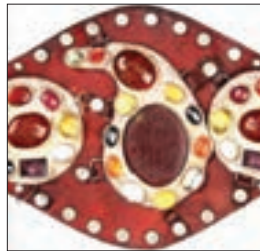
گفته‌اند یوسف را دو چیز بود بر کمال؛ یکی حسن خلقت (جمال و زیبایی) و دیگری حسن سیرت (علم و معرفت).
و خداوند تقدیر چنان کرد که جمال وی سبب بلاگشت و علم وی سبب نجات، تا عالمیان بدانند که علم نیکو به از صورت نیکو.
(کشف الاسرار و عدة الابرار، رشیدالدین میبیدی)

مقایسه کنید

به کمک دبیر خود، اخلاق ورزشکاران در جامعه اسلامی (اخلاق پهلوانی) را با اخلاق ورزشکاران در جامعه غربی (اخلاق قهرمانی) مقایسه کنید.



■ قهرمانان مدال آور، برای جشن گرفتن پیروزی خود از روشی استفاده می‌کنند که در گذشته برای تشخیص طلای ناب به کار گرفته می‌شد.



■ نقش سرو بر بازوبند پهلوانی نماد افتادگی در عین سرافرازی است. سرو همچنین نماد مقاومت و امیدواری است.

ببینیم و بدانیم

مجموعه مستند «بر سکوی افتخار» روایت زندگی شهدای ورزشکار است. برای آشنایی بیشتر با اخلاق پهلوانی، قسمتی از این مجموعه با عنوان «پهلوان کوچولو» را که در آن شهید سعید طوقانی معرفی شده، ببینید.

آیا ما از همه ابعاد هویت خود آگاهییم؟



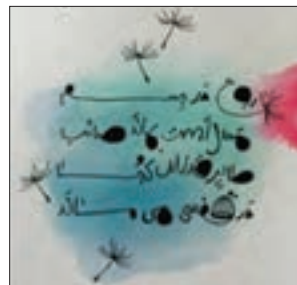
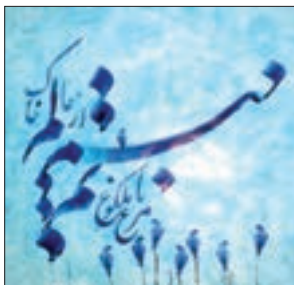
تا اینجا با ابعاد مختلف هویت آشنا شدید. آیا پیش از این به همه این ابعاد توجه داشته‌اید؟
به نظر شما، افراد خود را چقدر می‌شناسند؟ شما خود را چقدر می‌شناسید؟ برای شناخت بهتر و بیشتر خود چه راه‌هایی وجود دارد؟

بخشی از هویت، آگاهانه است؛ یعنی خود ما آن را می‌شناسیم یا دیگران به آن پی می‌برند و آن را برایمان بازگو می‌کنند اما بخش دیگر برای ما پنهان است و آن را نمی‌شناسیم. ما معمولاً علاقه‌مندیم که خود را به درستی بشناسیم. به همین سبب، گاهی درباره ویژگی‌های خود که به آنها واقف نیستیم، تأمل می‌کنیم و می‌اندیشیم. گاهی برای شناخت بیشتر و بهتر خود از دیگران کمک می‌گیریم؛ مثلاً از والدین و دوستان درباره ضعف‌ها و قوت‌هایمان سؤال می‌کنیم. نزد مشاور، روان‌شناس و روان‌کاو می‌رویم و از آنها مشاوره می‌گیریم. جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان نیز درباره ابعاد اجتماعی هویت انسان بحث می‌کنند و نظراتی ارائه می‌دهند. فیلسوفان هم بحث‌های گسترده‌ای درباره هویت دارند که می‌تواند به شناخت ما از خودمان کمک کند.

پیامبران و اولیای الهی نیز از دیرباز درباره بُعد الهی و فطری هویت فردی و اجتماعی انسان‌ها و همچنین غفلت و فراموشی آنها از خویشتن سخن گفته‌اند.



من ملک بودم و فردوس برین جایم بود



روح در جسم محال است بماند صائب طایر
خندان کجا در قفسی می‌ماند

■ هویت ما بُعدی الهی دارد که نباید مورد غفلت قرار گیرد.

ما تردیدی نداریم که گاه در شناخت ویژگی‌های هویتی خود و دیگران دچار اشتباه می‌شویم. وجود نظرات متفاوت درباره هویت، نشانه این است که امکان خطا و اشتباه در شناخت هویت وجود دارد.

نقل است که ملا نصرالدین می خواست به شهر غریبی سفر کند. همسر ملا پیش از سفر، آویزی بر گردنش آویخت که نامش بر آن نوشته شده بود تا مبادا هویتش را فراموش کند. ملا پس از ورود به آن شهر، شب نخست در یک کاروانسرا بیتوته کرد. خواب که بود، شوخی، آویز را از گردنش درآورد و به گردن خود آویخت. صبح روز بعد، ملا پس از دیدن آویز در گردن آن شوخ فریاد زد: «چنین می نماید که تو من هستی. ولی اگر تو من هستی، پس من کیستم؟»
 شاید این سردرگمی ملا مسخره به نظر آید ولی بر مهم ترین مسئله بشری اشاره می کند که همان هویت است.

(فرهنگ و هویت، چارلز لیندولم)

| | |
|-----------------------------|--------------------------------|
| جوابی بگفتش که حیران بماند | سیه چرده ای را کسی زشت خواند |
| که عیبم شماری که بد کرده ام | نه من صورت خویش خود کرده ام |
| نه آخر منم زشت و زیبا نگار | تو را با من از زشت رویم چه کار |
| (بوستان سعدی) | |

نوجوانان به بُعد جسمانی هویت توجه زیادی نشان می دهند. شما در معرفی خود یا شناخت دیگران کدام ویژگی های هویتی را مورد توجه قرار می دهید؟ در این حکایت چه نکاتی درباره هویت جسمانی و میزان اهمیت آن آمده است؟

